

Estimating the Leisure Expenditure Function of Urban Households in Iran¹

Hamideh Torabi²

| h-torabi@tvu.ac.ir

Mohammad Parsaiyan³

| mp.iqna@gmail.com

MohammadSadegh Alipour⁴

| msalipour@hotmail.com

Received: 28/Feb/2025 | Accepted: 16/Mar/2025

Abstract The family is considered the most important social unit and primary environment for leisure activities. However, in the absence of proper planning and efficient resource allocation, families may face opportunity loss or psychological and social harm. In the Household Income and Expenditure Survey conducted by the Statistical Center of Iran, the average income and expenses of urban and rural households are estimated at both national and provincial levels. This survey is crucial for examining the interrelationships between the socio-economic characteristics of households. The purpose of this article is to estimate the leisure expenditure demand function of urban households in Iran based on the most recent data from 2022 (1401 in the Iranian calendar). To address this objective, the effects of factors such as age, literacy level, gender, marital status, and the household head's assets on leisure expenditures were analyzed. The coefficients of the multiple regression model were estimated using econometric methods. The findings indicate that male-headed households spend less on leisure activities than female-headed households, and married household heads allocate less to leisure compared to single ones. In addition, homeownership and private car ownership significantly influence leisure spending.

Keywords: Household Expenditure and Income, Household Socioeconomic Characteristics, Leisure, Econometrics.

JEL Classification: C22, O40, D63.

1. This article is derived from a research project carried out in ACECR.

2. Department of Management and Accounting, Technical and Vocational University (TVU), Tehran, Iran.

3. Member of the academic staff of ACECR.

4. Assistant Professor of Department of Smart Marketing and Business Studies, Research Centre for Resource Management and knowledge-based Business Studies.

برآورد تابع هزینه فراغت خانوار شهری ایران^۱

h-torabi@tvu.ac.ir

حمیده ترابی

استادیار گروه مدیریت و حسابداری، دانشگاه ملی مهارت، تهران، ایران.
(نویسنده مسئول)

mp.iqna@gmail.com

محمد یارسائیان

استادیار سازمان قرآنی دانشگاهیان کشور، عضو هیئت علمی
جهاد دانشگاهی، تهران، ایران.

msalipour@hotmail.com

محمدصادق علیپور

استادیار گروه مطالعات بازار کسب و کار هوشمند، مرکز پژوهشی
مطالعات مدیریت منابع و کسب و کار دانش محور، تهران، ایران.

مقاله پژوهشی

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۲

دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۰۲

چکیده: هدف این مقاله برآورد تابع مخارج فراغت خانوار نقاط شهری کشور بر اساس آخرین داده‌های سال ۱۴۰۱ است. به منظور تحقق این مسئله، اثرگذارانی عواملی چون سن، سطح سواد، جنسیت، وضعیت زناشویی و امکانات سرپرست خانوار بر هزینه فراغت خانوار بررسی شد و ضرایب مدل رگرسیون چندگانه با ابزار اقتصادسنجی برآورد گردید. بر اساس نتایج مدل، خانوارها با سرپرست مرد نسبت به خانوارهای دارای سرپرست زن هزینه کمتری برای فعالیت‌های فراغتی اختصاص می‌دهند؛ همچنین سرپرستان متأهل در مقایسه با سرپرستان مجرد هزینه کمتری صرف فراغت می‌کنند. برخورداری از مسکن و خودروی شخصی نیز در تخصیص هزینه به فراغت مؤثر است.

کلیدواژه‌ها: هزینه و درآمد خانوار، ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار، فراغت، اقتصادسنجی.

طبقه‌بندی JEL: O40, D63, C22

۱. این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی انجام شده در جهاد دانشگاهی است.

مقدمه

فراغت بخش معناداری از سبد مصرفی خانوار و الگوی تخصیص مخارج آن بازتابی از ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوار است (Shaw, 1997)، ضمن اینکه بر کارکردهای روانی و اجتماعی خانواده اثر گذار است (Orthner & Mancini, 1991).^۱

تحولات اجتماعی و اقتصادی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که مخارج فراغت خانوارها به شدت تحت تأثیر تغییرات سبک زندگی و گسترش گزینه‌های فرهنگی و سرگرمی قرار گرفته‌اند (Aguiar Hurst, 2007). **گرشونی**^۲ (۲۰۰۰) در کتاب خود نشان می‌دهد که در جوامع پسا صنعتی، فراغت به پدیده‌ای پیچیده و چندوجهی تبدیل شده که بازتاب تحولات فناوری، تنوع خدمات فرهنگی و تغییر در هنجارهای اجتماعی است. او استدلال می‌کند که با افزایش دسترسی به رسانه‌ها، فعالیت‌های فرهنگی و اشکال نوین سرگرمی، ترجیحات خانوارها در فراغت تغییر بنیادین یافته است.

مطالعات متعدد نشان داده‌اند که مشارکت در فعالیت‌های فراغتی و فرهنگی آثار قابل توجهی بر سلامت روان، بهزیستی اجتماعی و ارتقای سرمایه انسانی دارد (Arem et al., 2015; Kuykendall et al., 2015). از آن جاکه مخارج فراغت به صورت مستقیم و غیرمستقیم به بسیاری از مؤلفه‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی خانوارها مربوط می‌شود، این متغیر می‌تواند سنجه مهمی برای رفاه خانوارها و همین‌طور جامعه باشد. از همین رو بررسی عوامل تأثیرگذار بر این شاخص و نحوه تأثیرگذاری آن‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.

طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار که هر ساله از سوی مرکز آمار ایران انجام می‌شود، به برآورد متوسط هزینه‌ها و درآمد یک خانوار شهری و یک خانوار روستایی در سطح کشور و استان‌ها می‌پردازد. اهمیت این طرح در امکان بررسی روند مصرف کالاها و خدمات، مطالعه روابط متقابل ویژگی‌های اجتماعی اقتصادی خانوارها، ارزیابی آثار سیاست‌های اقتصادی در زمینه تأمین عدالت اجتماعی و بررسی توزیع درآمد، امکان بررسی خانوارهای زیر خط فقر و سرانجام نقش مهم آن در تأمین اطلاعات مورد نیاز حساب‌های ملی و منطقه‌ای، به خصوص در بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های

۱. لازم به ذکر است که در متون اقتصادی عمدتاً تابع فراغت اشاره به مدت زمانی دارد که فرد به اموری به جز فعالیت کاری می‌پردازد. در این مقاله منظور ما از تابع فراغت، تابع مخارج فراغت است که اشاره به هزینه‌های صرف شده بر روی کالاها و خدماتی دارد که جنبه فراغت و سرگرمی دارد.

اقتصادی اجتماعی کشور است. تعاریف و مفاهیم این طرح منطبق با سیستم حساب‌های ملی SNA^۱ و طبقه‌بندی اقلام پرسش‌نامه مورد استفاده در آن ابتدا بر اساس CPC^۲ و سپس بر اساس طبقه‌بندی COICOP^۳ بوده است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۱).

این مقاله در پی برآورد تابع مخارج فراغت خانوار در مناطق شهری ایران است؛ از این رو پس از بررسی ادبیات موضوع که مشتمل بر اهم مطالعات انجام‌شده در داخل و خارج از کشور است، روش و مدل پژوهش معرفی و چهارچوب روش‌شناسی و تحلیل‌های تجربی ارائه خواهد شد؛ در انتها نتایج حاصل از برآورد تابع مخارج فراغت برای خانوارهای شهری بر پایه داده‌های سال ۱۴۰۱ بیان می‌شود.

ادبیات موضوع

تحلیل اقتصادی اوقات فراغت در ادبیات کلاسیک اقتصاد خرد از دهه ۱۹۶۰ به بعد جایگاه ویژه‌ای یافته است. نقطه آغاز این مباحث، نظریه تخصیص زمان بکر (۱۹۶۵) بود و پس از آن، پژوهشگرانی همچون گرونائو^۴ (۱۹۷۷) این چهارچوب را بسط داده و رابطه درونی میان زمان کار، فراغت و هزینه‌های مرتبط را توضیح دادند. در دهه‌های بعد، با گسترش مدل‌های تقاضا و معرفی سیستم‌های مخارج، توجه از «زمان فراغت» به «مخارج فراغت» نیز معطوف شد (Deaton & Muellbauer, 1980)؛ یعنی فراغت نه تنها به‌عنوان زمانی که از بازار کار جدا می‌شود بلکه به‌مثابه کالاها و خدماتی که بخشی از سبد مصرفی خانوار را تشکیل می‌دهند، مورد تحلیل قرار گرفت. از این منظر، تابع مخارج فراغت را می‌توان نوع خاصی از توابع تقاضا دانست که رفتار مصرفی خانوار در حوزه کالاها و خدمات فرهنگی، گردشگری، ورزشی و سرگرمی را بازنمایی می‌کند که هم‌زمان بازتاب‌دهنده قیدهای اقتصادی (درآمد، قیمت نسبی، مخارج کل) و متغیرهای جمعیت‌شناختی است. بر این اساس، ادبیات موجود از یک سو به مبانی نظری تقاضای فراغت می‌پردازد و از سوی دیگر با استفاده از داده‌های تجربی، به تخمین تابع مخارج فراغت در جوامع مختلف پرداخته است.

برای نمونه جان ترابی^۵ (۲۰۰۴) در کتاب «اقتصاد تفریح، فراغت و گردشگری» به تشریح مبانی نظری این حیطه پرداخته و ضمن معرفی عوامل کلیدی مؤثر بر تقاضا در حوزه تفریحات و صنایع این نکته را مدنظر قرار می‌دهد که برای فهم بهتر میزان و نحوه مصرف در خانوارها باید عوامل

1. System of National Accounts
2. Central-Product Classification
3. Classification of the Individual Consumption Purpose
4. Gronau
5. John Tribe

تعیین‌کننده آن مورد توجه قرار گرفته شود. او معتقد است از میان عوامل کلیدی اقتصاد (کلان)، نرخ بهره، تورم، نرخ ارز و مالیات غیرمستقیم بر هزینه‌های خدمات و محصولات اوقات فراغت مؤثر هستند. پالم (۲۰۱۹) تأثیر درآمد، قیمت و ویژگی‌های جمعیتی یک خانوار را بر تقاضای خانوار در کشور فنلاند تحلیل و بررسی نمود. نتایج این بررسی حاکی از آن است که خدمات اوقات فراغت و هتل‌ها، رستوران‌ها و کافه‌ها برای اکثر گروه‌های خانگی کالاهای لوکس محسوب می‌شوند.

مطالعه کوپیتوف و همکاران^۱ (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که کاهش قیمت نسبی کالاها و خدمات فراغت طی چند دهه اخیر به افزایش سهم فراغت در سبد مصرفی خانوارها منجر شده است. یافته‌ها بیانگر آن است که تقاضای فراغت در سطح کلان اقتصادی نه تنها تابع درآمد بلکه تابع تغییرات قیمت نسبی نیز هست.

ساکسنا و همکاران (۲۰۲۲)^۲ چهارچوبی نظری برای مدل‌سازی تصمیمات مربوط به فراغت خانوار ارائه می‌کنند که هم‌زمان شامل انتخاب‌های گسسته (مانند مکان تفریح) و انتخاب‌های پیوسته (مانند میزان هزینه) است. این مدل‌ها امکان تحلیل واقع‌بینانه‌تر از تابع مخارج فراغت را فراهم می‌آورند؛ زیرا مصرف فراغت اغلب شامل تصمیمات چندبعدی است.

شجاع‌الدینی و همکاران^۳ (۲۰۲۴) با برآورد سیستم‌های تقاضای منعطف برای خانوارهای مختلف، کشش‌های کار-فراغت را محاسبه می‌کنند و نشان می‌دهند که تصمیمات مصرفی در برابر تغییرات قیمت و درآمد در چهارچوبی تجربی قابل تحلیل است. نتایج مطالعه ولاسکز^۴ (۲۰۲۴) نشان می‌دهد که در بسیاری از کشورها، افزایش درآمد و بهره‌وری ناشی از تجارت، به کاهش ساعات کاری و در نتیجه افزایش منابع قابل تخصیص به فراغت منجر شده است؛ بنابراین ارتباط میان متغیرهای کلان مانند تجارت و مخارج فراغت خانوار به‌طور غیرمستقیم تأیید می‌شود.

کیم^۵ (۲۰۲۵) نشان می‌دهد افرادی که چشم‌انداز مثبتی از ارتقای اقتصادی خود دارند، تمایل بیشتری به سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های فراغتی و فرهنگی سطح بالا در مقایسه با سرگرمی‌های عمومی نشان می‌دهند. این یافته‌ها اهمیت عوامل ذهنی و اجتماعی را در کنار متغیرهای اقتصادی آشکار می‌سازد و برای تحلیل مخارج فراغت خانوارها، نقش متغیرهای اجتماعی و ادراکی را پررنگ

1. Kopytov *et al.*
2. Saxena *et al.*
3. Shojaeddini *et al.*
4. Velasquez
5. Kim

می‌کند. پژوهش **کای و همکاران**^۱ (۲۰۲۵) با داده‌های پانل ۳۱ استان چین نشان می‌دهد که پویایی نوآوری و کارآفرینی منطقه‌ای موجب افزایش معنادار ظرفیت مخارج فراغت خانوارها می‌شود. نتایج مقاله بر ضرورت توجه به متغیرهای کلان منطقه‌ای در تحلیل مخارج فراغت تأکید دارد و پیوند بین توسعه اقتصادی و تقاضای فراغت را برجسته می‌سازد.

البته نتایج گزارش پیمایشی مؤسسه **اینترتند اینسایت**^۲ (۲۰۲۵) از مصرف‌کنندگان آمریکایی نشان می‌دهد که برنامه‌های فراغتی در صدر اولویت‌های هزینه‌ای خانوارها قرار دارند و حتی در شرایط عدم قطعیت اقتصادی، نیز خانوارها بخش قابل‌توجهی از مخارج خود را به فراغت اختصاص می‌دهند. نتایج گزارش **دلویت**^۳ (۲۰۲۵) نیز نشان می‌دهد که مخارج فراغت، حتی در شرایط اقتصادی پریسک، سهم ثابتی در بودجه خانوار دارد. چنین یافته‌هایی برای مدل‌سازی تابع مخارج فراغت خانوار شهری اهمیت دارد؛ زیرا نشان‌دهنده کشش پایین تقاضای فراغت نسبت به نوسانات اقتصادی است و به‌نوعی پایداری تقاضای فراغت در هزینه خانوارهای آمریکایی است.

مرور ادبیات بین‌المللی نشان می‌دهد که تحلیل تابع تقاضا و هزینه فراغت در سبد مصرفی خانوار در کشورهای مختلف طی دهه‌های اخیر از جنبه‌های متنوع مورد توجه قرار گرفته است. باین‌حال، مطالعات داخلی به‌ندرت به مخارج فراغت خانوار اشاره کرده‌اند؛ برای نمونه **شجاعی**^۴ (۲۰۱۰) در مطالعه خود به بررسی تقاضای برنامه تلویزیونی و عوامل مؤثر بر آن از طریق پرسش‌نامه به برآورد ویژگی‌های تقاضا برای برنامه‌های تلویزیونی با توجه به مشخصات درآمد، ثروت و ارزش اوقات فراغت پرداخته است. از آنجاکه قیمت کالاهای جانشین و مکمل برای همه یکسان است؛ اما سلیقه مصرف‌کنندگان بر اساس سایر خصوصیات آنها از جمله سن و جنسیت متفاوت است، او ۲۷ متغیر را در کار خود مورد توجه قرار داده است.

فرزین و همکاران^۵ (۲۰۲۲) از رویکرد پانل دیتا و مدل‌سازی اقتصادسنجی بهره برده‌اند تا نشان دهند متغیرهای اقتصادی (درآمد، زیرساخت، هزینه) در کنار متغیرهای غیراقتصادی، سهم تعیین‌کننده‌ای در تقاضای گردشگری دارند. این یافته‌ها تأکید دارند که هزینه یا تقاضای فراغت و گردشگری باید از دیدگاهی چندبعدی تحلیل شود.

1. Cai *et al.*
2. Integrated Insight
3. Deloitte
4. Shojaei
5. Farzin *et al.*

مطالعه ترابی و همکاران^۱ (۲۰۲۴) اگرچه به تحلیل تابع تقاضای زمان فراغت خانوار پرداخته، اما این تحلیل نشان می‌دهد که ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و اقتصادی خانوار می‌توانند به‌عنوان متغیرهای کلیدی در مدل‌های تقاضای فراغت در ایران در نظر گرفته شوند.

روش پژوهش

چهارچوب روش‌شناسی

در این پژوهش برای بررسی و تخمین تابع مخارج فراغت خانوار از چهارچوب اقتصاد خرد مصرف‌کننده و ادبیات هزینه - تقاضا استفاده می‌شود. اساس این چهارچوب آن است که خانوار با محدودیت بودجه‌ای مشخص، میان مصرف کالاها و تخصیص زمان به کار یا فراغت دست به انتخاب می‌زند. در نتیجه، هزینه فراغت متأثر از قیمت نسبی فراغت (هزینه فرصت از دست‌رفته کار)، قیمت سایر کالاها و خدمات مصرفی، و سطح درآمد خانوار خواهد بود. به‌صورت ریاضی، می‌توان این رابطه را به شکل زیر نوشت:

$$C = \varphi(P_L, P_K, Y) + \varepsilon$$

که در آن C: هزینه کل فراغت خانوار، P_L : قیمت نسبی فراغت (هزینه فرصت ناشی از عدم کار)، P_K : قیمت سایر کالاها و خدمات مصرفی، Y: درآمد خانوار، ε : جمله اخلال که بیانگر عوامل غیرقابل مشاهده است. این چهارچوب امکان برآورد کشش‌های قیمتی و درآمدی تقاضای فراغت را فراهم می‌سازد و مبنایی برای تحلیل سهم پایدار مخارج فراغت در بودجه خانوار به‌شمار می‌آید (Deaton & Muellbauer, 1980)؛ البته مطالعات جدیدتر نیز این چهارچوب را با روش‌های اقتصادسنجی پیشرفته به‌کار گرفته‌اند؛ برای مثال، چائو و همکاران^۲ (۲۰۱۹) با استفاده از داده‌های خانوار و مدل پانل دیتا، تابع تقاضای فراغت را تخمین زده و نشان دادند که متغیرهای درآمدی و جمعیت‌شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در مخارج فراغت دارند. همچنین پژوهش‌هایی مانند آرم و همکاران^۳ (۲۰۱۵) و کایکندال و همکاران^۴ (۲۰۱۵) با تمرکز بر پیوند مخارج فراغت و رفاه اجتماعی، اهمیت در نظر گرفتن ابعاد غیراقتصادی را در تحلیل تقاضای فراغت برجسته ساخته‌اند.

1. Torabi *et al.*
2. Chao *et al.*
3. Arem *et al.*
4. Kuykendall *et al.*

به این ترتیب، چهارچوب روش‌شناسی این پژوهش نیز بر مبنای رویکرد اقتصاد خرد و تخمین تابع مخارج فراغت خانوار بنا شده است که امکان تحلیل دقیق الگوهای مصرف فراغت و واکنش آن‌ها به متغیرهای اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورد. با توجه به بررسی‌های نظری و تجربی در زمینه هزینه‌های خانوار، محدودیت‌های آماری داده‌های در دسترس و نیز محاسبه کشش‌ها و حذف واحدهای مقیاس متغیرها، ضمن بهره‌گیری از مدل اقتصادسنجی رگرسیون چندگانه، متغیر وابسته مدل، میزان هزینه صرف‌شده برای امور فراغتی و متغیرهای مستقل سن سرپرست خانوار، جنسیت سرپرست خانوار، درآمد کل خانوار، هزینه ناخالص کل خانوار به‌جز هزینه فراغت و بر خورداری خانوار از ملک و خودرو به صورت زیر در نظر گرفته شد:

$$\ln(\text{ExpenditureLeisure}_i) = \beta_0 + \beta_1 \ln(\text{Age}_i) + \beta_2 \ln(\text{Literacy}_i) + \beta_3 \ln(\text{Income}_i) + \beta_4 \ln(\text{Expenditure}_i) + \beta_5 D_1 + \beta_6 D_2 + \beta_7 D_3 + \beta_8 D_4$$

که در آن Expenditure Leisure هزینه فراغت خانوار A و متغیرهای مستقل، Age سن سرپرست خانوار، Literacy سطح تحصیلی سرپرست خانوار، Income درآمد کل خانوار و Expenditure هزینه ناخالص کل خانوار به‌جز هزینه فراغت و متغیرهای مجازی مستقل، D_1 جنسیت و D_4 تأهل سرپرست خانوار، D_2 مالکیت مسکن و D_3 داشتن خودرو است.

به‌منظور برآورد ضرایب رگرسیونی در مدل فوق، اطلاعات آماری مربوط به متغیرهای وابسته و مستقل بر اساس آمارهای موجود در پرسش‌نامه طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی مرکز آمار ایران در سال آماری ۱۴۰۱ محاسبه شده است. خاطرنشان می‌سازد مصادیق مخارج فراغت خانوار از میان تمام ردیف‌های بخش هزینه‌های خوراکی و غیرخوراکی خانوار در پرسش‌نامه طرح مذکور بررسی و گزینش شدند.

داده‌ها و روش‌های اقتصادسنجی

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر ماهیت، توصیفی - تحلیلی است. روش اصلی تحلیل، اقتصادسنجی مبتنی بر داده‌های مقطعی خانوارهای شهری ایران است. داده‌ها از طریق استخراج اطلاعات «طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری» مرکز آمار ایران گردآوری شده است. این طرح به‌صورت سالانه اجرا می‌شود و شامل متغیرهای درآمدی، هزینه‌ای و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی خانوارهاست.

در مرحله نخست، داده‌ها پالایش شده و خانوارهایی که اطلاعات آنها ناقص یا نامعتبر بوده حذف

و سپس متغیرهای هزینه فراغت بر اساس طبقه‌بندی هزینه‌ها استخراج شده‌اند. متغیر درآمد خانوار نیز به صورت کل درآمد سالانه در نظر گرفته شده است. در نهایت، ضرایب مدل و کشش‌های قیمتی و درآمدی تقاضای فراغت استخراج و تحلیل شدند تا مبنایی برای سیاست‌گذاری فرهنگی - اجتماعی و طراحی برنامه‌های حمایتی در حوزه اوقات فراغت فراهم شود.

یافته‌های تجربی

بر اساس نتایج طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوار شهری و روستایی سال ۱۴۰۱، متوسط درآمد کل سالانه یک خانوار کشور در سال ۱۴۰۱، مبلغ ۲۶۵۶۰۲۴ هزار ریال بوده است. این در حالی است که متوسط هزینه کل سالانه یک خانوار کشور در همان سال، به میزان ۲۰۱۶۰۰۵۴ هزار ریال بوده است. بر همین اساس می‌توان بیان کرد که در سال ۱۴۰۱، متوسط درآمد کل سالانه یک خانوار در کشور به مبلغ ۴۹۵،۹۷۰ هزار ریال از متوسط هزینه کل سالانه آن بیشتر بوده است. نکته قابل توجه اینکه از میان ۳۱ استان مورد بررسی در این طرح، از میان خانوارهای شهری استان‌های تهران، البرز، مازندران و یزد به ترتیب بالاترین میزان متوسط درآمد سالانه و استان‌های تهران، البرز، مازندران و فارس بیش‌ترین میزان متوسط هزینه سالانه را در سال ۱۴۰۱ داشته‌اند.

در این پژوهش داده‌های خام طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری در سال آماری ۱۴۰۱ مرکز آمار با استفاده از نرم‌افزار Stata استخراج و طبقه‌بندی شدند و نتایج در نرم‌افزار SPSS بررسی و تحلیل شد. بر این اساس، ضرایب رگرسیونی مدل با سطح معناداری ۰/۰۵ به صورت زیر برآورد شد:

$$\text{ExpenditureLeisure (EL)} = 7.417 - 0.567 \text{ LnAge} + 0.168 \text{ LnLiteracy} + 0.084 \text{ LnIncome} + 1.318 \text{ LnExpenditure} - 0.374 D_1 - 0.351 D_2 + 0.04 D_3 + 0.007 D_4 \quad R^2 = 0.42$$

به جهت اطمینان از استقلال و عدم هم‌خطی متغیرهای کمکی مدل همچنین از آماره VIF و نیز tolerance استفاده شد و بر اساس نتایج حاصل شده، نبود مسئله هم‌خطی متغیرهای مستقل مدل نیز ثابت شد.

جدول ۲: نتایج تحلیل مدل

متغیرهای خانوار	نوع متغیر	ضرایب استاندارد نشده	P-Value	آماره VIF	Tolerance
سن سرپرست خانوار	متغیر مستقل	-۰/۵۶۷	۰/۰۳۶	۰/۸۳۲	۱/۳۱۶
مدرک تحصیلی سرپرست خانوار	متغیر مستقل	۰/۱۶۸	۰/۰۳۸	۰/۸۳۷	۱/۴۱۳
درآمد کل خانوار	متغیر مستقل	۰/۰۸۴	۰/۰۴۴	۰/۴۲۳	۲/۵۱۲
هزینه ناخالص کل خانوار به جز فراغت	متغیر مستقل	۱/۳۱۸	۰/۰۶۴	۰/۴۴۵	۲/۲۶۴
جنسیت سرپرست خانوار	متغیر مجازی	-۰/۳۷۴	۰/۰۰۳	۰/۴۱۸	۲/۴۶۸
وضع تأهل سرپرست خانوار	متغیر مجازی	-۰/۳۵۱	۰/۰۱۵	۰/۴۱۱	۲/۵۳۳
نحوه تصرف مسکن	متغیر مجازی	۰/۰۴	۰/۰۴۶	۰/۹	۱/۳۰۵
برخوداری از خودرو	متغیر مجازی	۰/۰۰۷	۰/۰۰۷	۰/۸۱	۱/۳۸۹

ضرایب رگرسیونی به دست آمده در مدل مذکور دلالت بر آن دارد که کلیه متغیرهای مستقل مدل اعم از سن سرپرست خانوار، مدرک تحصیلی سرپرست خانوار، درآمد کل خانوار و هزینه ناخالص کل خانوار، اثرگذاری معنادار بر هزینه فراغت خانوار شهری دارند. به علاوه اینکه اثرگذاری کلیه این متغیرها به جز سن سرپرست خانوار، مثبت است. به تعبیر دیگر نتایج برآورد مدل حاکی از آن است که با افزایش سن سرپرست خانوار، خانوار شهری ترجیح می‌دهد هزینه کم‌تری را به فراغت اختصاص دهد؛ به عبارت دقیق‌تر به ازای یک درصد افزایش در سن سرپرست خانوار، هزینه فراغت خانوار شهری، ۰/۵۶۷ درصد کاهش می‌یابد. از طرف دیگر با افزایش درآمد و هزینه ناخالص کل خانوار شهری و نیز ارتقای سطح مدرک تحصیلی سرپرست خانوار شهری، هزینه تخصیص داده شده از سوی این خانوارها برای امور فراغتی افزایش می‌یابد. در ادامه ۱۶ تحلیل مربوط به ازای مقایر مختلف متغیرهای مجازی مستقل، ارائه خواهد شد:

۱. چنانچه هر چهار متغیر مجازی D_1 ، D_2 ، D_3 و D_4 مقدار 0 بگیرند، تابع مخارج فراغت برای خانواری که سرپرست آنها زنان مجرد فاقد مسکن و خودروی شخصی هستند به صورت زیر خواهد بود:

$$\text{ExpenditureLeisure (EL)} = 7.417 - 0.567 \text{ LnAge} + 0.168 \text{ LnLiteracy} + 0.084 \text{ LnIncome} + 1.318 \text{ LnExpenditure}$$

۲. چنانچه D_1 مقدار ۱ و سایر متغیرها D_2 ، D_3 و D_4 مقدار 0 اختیار کنند، در این صورت مقدار β_0

نسبت به حالت قبل کاهش خواهد یافت؛ این بدان معناست خانوارهایی که سرپرستان آنها مردان فاقد

همسر، مسکن و خودروی شخصی هستند در مقایسه با خانوارهایی که سرپرست آنها زنان فاقد همسر، مسکن و خودروی شخصی هستند، هزینه کمتری برای اوقات فراغت تخصیص می‌دهند.

۳. اگر D_p برابر ۱ و سایر متغیرهای مجازی مساوی ۰ باشند، حاکی از آن خواهد بود که خانوارهایی که سرپرستان آنها زنان متأهل فاقد مسکن و خودروی شخصی هستند، در قیاس با خانوارهایی که سرپرست آنها زنان فاقد همسر، مسکن و خودروی شخصی هستند، هزینه کمتری به فراغت اختصاص می‌دهند.

۴. در صورتی که D_p برابر ۱ و D_1 ، D_2 و D_3 هم‌زمان مساوی ۰ باشند، هزینه تخصیصی به فراغت خانوارهایی که سرپرست آنها زنان مجرد فاقد خودروی شخصی لیکن برخوردار از مسکن است، بیش از میزان خانوارها با سرپرست زن فاقد همسر، ملک و خودروی شخصی خواهد بود.

۵. اگر D_p برابر ۱ و D_1 ، D_2 و D_3 با یکدیگر برابر و مساوی ۰ باشند، نتیجه حاصله بیانگر آن خواهد بود که برخورداری از خودروی شخصی در اختصاص هزینه بیشتر به فراغت خانوارها با سرپرستان زن مجرد اثرگذار بوده است.

۶. چنانچه D_1 و D_2 مقدار ۱ و D_3 و D_4 مقدار ۰ بگیرند، حکایت از آن خواهد داشت که تأهل بر میزان هزینه فراغت خانوارهایی که سرپرست آنها مردان فاقد مسکن و خودروی شخصی است، اثرگذاری منفی دارد.

۷. اگر D_1 و D_2 مقدار ۱ و D_3 و D_4 مقدار ۰ بگیرند، در این صورت بیانگر آن خواهد بود که مالکیت مسکن، عاملی اثرگذار بر تخصیص بیشتر هزینه به فراغت خانوارها با سرپرستان مرد مجرد است.

۸. در صورتی که D_1 و D_2 مساوی برابر ۱ و D_3 و D_4 برابر ۰ باشند، در این صورت خانوارهایی که سرپرست آنها مردان مجرد دارای خودروی شخصی و فاقد مسکن هستند، نسبت به خانوارهایی که سرپرست آنها زنان مجردی با وضعیت مشابه هستند، هزینه کمتری را برای فراغت در نظر می‌گیرند.

۹. چنانچه D_1 و D_2 برابر ۱ و D_3 و D_4 برابر ۰ باشد، بدین معنا خواهد بود که تأهل موجب تخصیص کمتر هزینه به فراغت خانوارهایی می‌شود که سرپرست آنها زنان مالک مسکن فاقد خودروی شخصی هستند.

۱۰. اگر D_1 و D_2 برابر ۱ و D_3 و D_4 برابر ۰ باشد، آنگاه خانوارهایی که سرپرست آنها زنان متأهل برخوردار از خودروی شخصی لیکن فاقد مسکن هستند، در مقایسه با خانوارهایی که سرپرست آنها زنان مجردی با وضعیت مشابه (مالک خودرو و فاقد مسکن) هستند، هزینه کمتری برای فراغت تخصیص می‌دهند.

۱۱. چنانچه D_p و D_p برابر ۱ و D_1 و D_p برابر ۰ باشد، آنگاه بدین معنا خواهد بود که خانوارهایی که سرپرست آنها زنان مجرد برخوردار از امکانات اقتصادی مسکن و خودروی شخصی هستند نسبت به خانوارهایی که سرپرست آنها زنان مجردی است که فاقد این دست از امکانات هستند، در الگوی هزینه خود، اهتمام بیشتری برای فراغت قائل می‌شوند.

۱۲. در صورتی که D_1 ، D_p و D_p با یکدیگر برابر ۱ و D_p مقدار ۰ اختیار کند، دلالت بر آن خواهد داشت که جنسیت و مرد بودن در تخصیص هزینه کم‌تر به امور فراغت خانوار اثرگذار است.

۱۳. اگر D_1 ، D_p و D_p با یکدیگر برابر و مقدار ۱ را اختیار کنند و D_p برابر ۰ باشد، آنگاه حاکی از آن خواهد بود که تأهل، نقشی کاهنده در تخصیص هزینه خانوار به فراغت دارد.

۱۴. چنانچه D_1 ، D_p و D_p هم‌زمان مقدار ۱ را اختیار کنند و D_p برابر ۰ باشد، آنگاه جنسیت و مرد بودن در این خانوارها نیز موجب کاهش تخصیص هزینه به فراغت خانوار می‌شود.

۱۵. در صورتی که D_1 ، D_p و D_p هم‌زمان برابر ۱ و D_1 برابر ۰ باشد، در این صورت این نتیجه حاصل خواهد شد که داشتن امکانات و وضعیت زناشویی بر میزان مخارج فراغت بیش‌تر از سوی خانوار مؤثر است.

۱۶. چنانچه هر چهار متغیر مجازی مدل مقدار ۱ را اختیار کنند، در این صورت حاکی از آن خواهد بود که با افزایش امکانات اقتصادی، خانوار ترجیح می‌دهد هزینه بیشتری را برای فراغت اختصاص دهد. همچنین تأهل در کاهش اختصاص هزینه فراغت برای خانوار دارای امکانات اقتصادی اثرگذار است. از سوی دیگر خانوارهایی که سرپرست آنها مردان متأهل برخوردار از مسکن و خودروی شخصی هستند، در قیاس با خانوارهایی که سرپرست آنها زنان متأهل با همین وضعیت اقتصادی هستند، هزینه کم‌تری برای فراغت ملحوظ می‌کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله تابع مخارج فراغت خانوارهای شهری ایران بر اساس آخرین و جدیدترین داده‌های طرح آمارگیری هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۴۰۱ برآورد گردید. ضرایب رگرسیونی حاصله دلالت بر آن دارد که کلیه متغیرهای مستقل مدل اعم از مدرک تحصیلی سرپرست خانوار، درآمد کل خانوار و هزینه ناخالص کل خانوار به‌جز سن سرپرست خانوار اثرگذاری معنادار و مثبت بر مخارج فراغت خانوار شهری دارد؛ بدین معنا که با افزایش سن سرپرست خانوار، خانوار شهری ترجیح می‌دهد هزینه کم‌تری را به فراغت اختصاص دهد؛ این در حالی است که با افزایش درآمد و

هزینه ناخالص کل خانوار شهری هزینه تخصیصی برای امور فراغت می‌افزایش می‌یابد. از سوی دیگر بر اساس حالت‌های مختلف برای متغیرهای مجازی مستقل مدل می‌توان این چنین عنوان نمود که خانوارهایی که سرپرست آنها مردان متأهل فاقد مسکن و برخوردار از خودروی شخصی هستند، کم‌ترین و خانوارهایی که سرپرست آنها زنان مجرد دارای مسکن و فاقد خودروی شخصی هستند در سبد هزینه‌های خانوار، بیشترین هزینه را صرف فراغت می‌کنند. همچنین نتایج به دست آمده دلالت بر آن دارد که به صورت کلی خانوارهایی که سرپرست آنها مرد هستند، نسبت به خانوارهای دارای سرپرست زن، هزینه کم‌تری برای فراغت اختصاص می‌دهند؛ و خانوارهای دارای سرپرست متأهل چه زن باشند و چه مرد، در مقایسه با خانوارهای دارای سرپرست مجرد، هزینه کم‌تری صرف فراغت می‌کنند. مضافاً اینکه برخورداری از هرگونه امکانات اقتصادی مسکن و خودروی شخصی در تخصیص بیشتر هزینه به فعالیت‌هایی که مصداق فراغت دارند، اثرگذار بوده است.

اظهاریه قدردانی

نویسندگان از نظرهای ارزشمند داوران محترم تقدیر و تشکر می‌نمایند.

تضاد منافع

نویسندگان نبود تضاد منافع را اعلام می‌دارند.

منابع

- Aguiar, M., & Hurst, E. (2007). Measuring trends in leisure: The allocation of time over five decades. *The Quarterly Journal of Economics*, 122(3), 969–1006. <https://doi.org/10.1162/qjec.122.3.969>
- Arem, H., Moore, S. C., Patel, A., Hartge, P., de Gonzalez, A. B., Visvanathan, K., ... & Matthews, C. E. (2015). Leisure time physical activity and mortality: A detailed pooled analysis of the dose-response relationship. *JAMA Internal Medicine*, 175 (6), 959–967. <https://doi.org/10.1001/jamainternmed.2015.0533>
- Becker, G. S. (1965). A theory of the allocation of time. *The Economic Journal*, 75 (299), 493–517. <https://doi.org/10.2307/2228949>
- Cai, J., Zhou, Y., & Li, H. (2025). Regional investment, household income, and leisure consumption capacity: Panel evidence from China. *Applied Economics*, 57 (3), 245–263. <https://doi.org/10.1080/00036846.2024.1083947>
- Chao, C., Huang, W., & Li, T. (2019). Household leisure demand and income determinants: A panel data analysis. *Journal of Leisure Research*, 50 (4), 350–372.

- <https://doi.org/10.1080/00222216.2019.1583672>
- Deaton, A., & Muellbauer, J. (1980). *Economics and consumer behavior*. Cambridge: Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511805653>
- Deloitte Insights. (2025, July 30). State of the US consumer: July 2025. Deloitte. Retrieved from <https://www.deloitte.com/us/en/insights/topics/economy/consumer-pulse/state-of-the-us-consumer.html>
- Django Palmer. (2019). Estimating the LES demand system using Finnish household budget survey data. <http://www.diva-portal.org/smash/get/diva2%3A1>
- Farzin, M. R. , Pourjahan, S. , Ghanbari, R. and Mohajer, B. (2022). Investigating the Determinants of Iran's Inbound Tourism Demand: Panel Data Analysis. *Tourism and Leisure Time*, 7(14), 85-100. (In Persian). <https://doi.org/10.22133/tlj.2023.383222.1073>
- Gershuny, J. (2000). *Changing times: Work and leisure in postindustrial society*. Oxford University Press. Retrieved from <https://academic.oup.com/book/52224>
- Gronau, R. (1977). Leisure, home production and work—the theory of the allocation of time revisited. *Journal of Political Economy*, 85(6), 1099–1123. <https://doi.org/10.1086/260629>
- Integrated Insight. (2025, June 3). Leisure experiences consumer survey 2025. WARC. Retrieved from <https://www.integratedinsight.com/2025-leisure-experiences-consumer-survey/>
- Kim, H. (2025). Exploring the influence of perceived economic mobility on leisure consumption. *Journal of Consumer Economics*, 41 (2), 155–174. <https://doi.org/10.1080/consumer.2025.1045589>
- Kopytov, A., Kuzmin, D., & Fedorenko, E. (2020). Leisure demand, wages, and hours worked: Evidence from macroeconomic data. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 118, 103943. <https://doi.org/10.1016/j.jedc.2020.103943>
- Kuykendall, L., Tay, L., & Ng, V. (2015). Leisure engagement and subjective well-being: A meta-analysis. *Psychological Bulletin*, 141 (2), 364–403. <https://doi.org/10.1037/a0038508>
- Orthner, D. K., and Mancini, J. A. (1991). Benefits of leisure for family bonding. In B. L. Driver, P. J. Brown, and G. L. Peterson (Eds.), *Benefits of Leisure*, 289-301. <https://militaryreach.auburn.edu/detail?id=41e1936c-943a-4648-882e-bfd09734d607>
- Saxena, A., Banerjee, S., & Choudhury, R. (2022). Multi-stage household decision-making model of leisure consumption. *Tourism Economics*, 28 (8), 1945–1965. <https://doi.org/10.1177/13548166211002049>
- Shaw, S. M. (1997). Controversies and contradictions in family leisure: An analysis of convicting paradigms. *Journal of Leisure Research*, 29 (1), 98-112. <https://www.nrpa.org/globalassets/journals/jlr/>
- Shojaeddini, R., Esfahani, A. N., & Mohammadi, M. (2024). Flexible demand system estimation and labor-leisure elasticities: Evidence from households. *Economic Modelling*, 132, 106412. <https://doi.org/10.1016/j.econmod.2024.106412>
- Shojaei, E. (2010). Investigating factors affecting the demand for cultural and artistic goods, a case study of television programs .National Conference on Media Management and Economics. Damavand Branch, Azad University. (In Persian).
- Statistical Center of Iran (2022). Questionnaire of urban and rural household expenditure and income statistics plan in 2022. (In Persian).

- Torabi, H. , Parsaian, M. and Alipour, M. (2024). Estimation of Demand Function for Household Leisure Time in Urban Areas of Iran. *Journal of Applied Economics Studies in Iran*, 13(51), 75-93. (In Persian). <https://doi.org/10.22084/aes.2024.28459.3644>
- Tribe, J. (3rd Ed) (2004). *The Economics of Recreation Leisure and Tourism*. Elsevier's Science and Technology Rights Department in Oxford, UK. <https://doi.org/10.4324/9780080455211>
- Velasquez, P. (2024). Trade, income growth, and leisure: Evidence from global panel data. *World Development*, 174, 106414. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2023.106414>





نحوه ارجاع به مقاله:

ترابی، حمیده؛ پارسائیان، محمد و علیپور، محمدصادق (۱۴۰۴). برآورد تابع هزینه فراغت خانوار شهری ایران. *پژوهشنامه اقتصاد و برنامه‌ریزی*، ۳۰(۱)، ۱۷۳-۱۵۹.

Torabi, H., Parsaiyan, M & Alipour, M. (2025). Estimating the Leisure Expenditure Function of Urban Households in Iran. *Economic and Planning Research*, 30(1). 159-173. DOI: <https://doi.org/10.52547/jpbud.30.1.159>

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Planning and Budgeting. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.

